

## **An Empirical Study of the Iranian Judicial Precedent on Trademark with an Emphasis on the Statistical Models**

**Saeed Habiba**\*

*Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran*

**Arya Meshkin Azarian**

*LL M, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran*

(Email: [arya.azarian@gmail.com](mailto:arya.azarian@gmail.com))

(Received: 2020/01/24, Accepted: 2020/05/23)

### **Abstract**

Despite the enormous volume of ongoing cases in the judiciary and the recent year's technological developments, empirical studies and credible understanding of the court's adjudication faces with a destructive rupture whose consequences cannot be ignored. This ambiguity has also left important questions unanswered in intellectual property rights and trademarks field. Innovative methods were required to overcome this problem and methodologically, the quality quantifying of the data employed, to enable large-scale analysis. We attempted to extract and process various components of court decisions by designing a database and using data mining techniques, and applying statistic models to produce an enhanced analysis of court procedures from a macro perspective. In this study, the analytical method was utilized based on the use of data available in the Research Center of the Judiciary. Although the less than expected data frequency caused some restrictions on our statistic models, extracting a broad range of variables and components from the cases allowed us to provide some of the findings and enlightening results in the form of descriptive and inferential statistics. It provides, of course, a more thorough understanding of the court proceedings status. It is worth mentioning that the key purpose was to introduce and study the innovative method, which for the first time in the country made it possible to analyze macro-judicial cases in this research as well as in future works. We started with limited questions, but have surprised by the numerous angles that could be analyzed from extracted data. The procedure of the courts is not the same in relation to various issues and variables, more comprehensive and multidimensional analysis was required which has demonstrated in the text.

### **Keywords**

Data mining, Empirical study, Intellectual property, Precedent, Statistic, Trademark.

---

\* Corresponding Author: [habiba@ut.ac.ir](mailto:habiba@ut.ac.ir)

مطالعات حقوق تطبیقی  
دوره ۱۱، شماره ۲  
پاییز و زمستان ۱۳۹۹  
صفحات ۵۰۱ تا ۵۲۳ (علمی - پژوهشی)

## مطالعه تجربی رویه قضایی دادگاه‌ها در حوزه علائم تجاری با تأکید بر تحلیل مدل‌های آماری

سعید حبیبی\*

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

آریا مشکین آذریان

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری دانشگاه تهران

(Email: [arya.azarian@gmail.com](mailto:arya.azarian@gmail.com))

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۰۳)

### چکیده

با وجود حجم انبوه پرونده‌های جاری در دادگستری و از طرفی پیشرفت‌های چشمگیر فناوری، در زمینه مطالعات تجربی و شناخت علمی و مستند از آنچه در دادگاه‌ها رقم می‌خورد با گسستی مخرب مواجه هستیم که تبعات آن قابل چشم‌پوشی نیست. این کمبود در حوزه حقوق مالکیت فکری و علائم تجاری نیز پرسش‌های مهمی را بی‌پاسخ گذاشته است. برای حل این مشکل نیاز بود روش‌های نوآورانه‌ای به کار گرفته شود تا با کمی کردن داده‌های کیفی (Quality Quantifying)، بررسی آرا در مقیاس کلان ممکن گردد. تلاش شد با طراحی پایگاه داده و به کمک نرم‌افزار و فنون داده‌کاوی (Data Mining)، ارکان و اجزای متنوعی از یک رأی استخراج و پردازش شود و از منظر کلان و به کمک مدل‌های آماری، تحلیل‌هایی عینی و بدیع از رویه محاکم در حوزه علائم تجاری ارائه گردد. در این تحقیق از روش تحلیلی مبتنی بر استفاده از منابع موجود در پژوهشگاه قوه قضائیه بهره گرفته شده است. با اینکه حجم کمتر از انتظار داده‌ها، محدودیت‌هایی در استفاده از مدل‌های آماری ایجاد کرده، اما استخراج طیف وسیعی از متغیرها و مؤلفه‌ها از آراء، این امکان را فراهم آورد تا در قالب آمارهای توصیفی و استنباطی، بخشی از یافته‌ها و نتایج روشنگرانه این پژوهش را ارائه کنیم که طبعاً به درک بهتری از وضعیت رسیدگی دادگاه‌ها می‌انجامد. شایان ذکر است که رهیافت و ثمره اصلی این پژوهش را معرفی و آزمون روشی ابداعی می‌دانیم که برای نخستین بار در کشور امکان تحلیل کلان آرای قضایی در این پژوهش و همچنین در آثار آتی را میسر نمود. این پژوهش با سؤال‌های محدودی آغاز شد اما در ادامه، زوایای بی‌شمار قابل تحلیل و بررسی داده‌های استخراج‌شده، ما را شگفت‌زده کرد. رویه محاکم در خصوص موضوعات و متغیرهای مختلف یکسان نیست، پس سنجش و تحلیلی جامع و چندبعدی نیاز بود که جزئیات و برآیند آن در متن بیان شده است.

### واژگان کلیدی

آمار، داده‌کاوی، رویه قضایی، علامت تجاری، مالکیت فکری.

## مقدمه

تا به امروز با توجه به ضعف‌ها و بدون استفاده از ابزارها و روش‌های جدید، مطالعات تجربی و آگاهی قابل اتکا از آنچه در دادگاه‌ها رقم می‌خورد با موانعی مواجه بوده و کمتر مورد توجه قرار گرفته است، در نتیجه برداشت‌ها از وضعیت موجود نمی‌توانست انعکاس‌دهنده تصویر دقیقی از گستره و ژرفای نظام حمایتی در این حوزه باشد. اینکه نظام قانونی و قضایی حمایت از علائم تجاری چگونه در عمل اجرا شده و یا به صورت آماری رویه قضایی در مرحله نخستین و تجدیدنظر بیانگر چه رویکردهایی بوده، از جمله زوایای پنهان است. در این تحقیق، با تکیه بر روش‌های داده‌کاوی و مدل‌های آماری<sup>۱</sup>، با تجزیه آرا به طیف وسیعی از اطلاعات، مؤلفه‌ها و متغیرهای گوناگونی برای آمارگیری و تحلیل، استخراج و استفاده شده است.

نقطه عطف و جان‌مایه این پژوهش تبدیل داده‌های کیفی و محتوایی به داده‌های کمی و قابل شمارش است. گردآوری داده به این سیاق و پردازش‌های صورت گرفته بر آن، نه تنها پژوهش حاضر را برای اولین بار در کشور ممکن ساخت، بلکه معرفی روش نوین و مجموعه داده‌های غنی گردآوری شده این پژوهش و دیگر مطالعات نظام‌مند و مهم را نیز در آینده ممکن خواهد ساخت. شایان ذکر است سابقه‌ای از این موضوع در مجامع علمی و دانشگاهی کشور تا به امروز به چشم نمی‌خورد. البته در بحث پرونده‌کاوی (Case Study) و مطالعه موردی و خرد آرا، کتاب حقوق مالکیت معنوی در دادگاه علائم تجاری و اختراعات اثر منصور پورنوری قابل اشاره است که از لحاظ روش‌شناختی، ماهیت و کارکرد، کاملاً با پژوهش حاضر مابینت دارد. با وجود مغفول ماندن مطالعات تجربی و میان‌رشته‌ای در حوزه حقوق ایران، در کشورهای دیگر به ویژه ایالات متحده آمریکا به کمک پایگاه‌های داده وست‌لا (Westlaw) و لکس‌ماشینا (LexMachina) و ... کارهای اثرگذار و باارزشی انجام شده است.

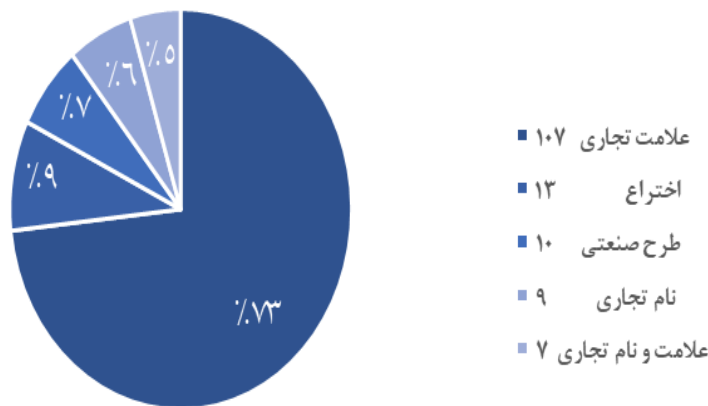
مطالعات تجربی کلان از این دست، موجب ارتقای قابلیت پیش‌بینی نتیجه دعوی می‌شود و روند دسترسی به طیف وسیع‌تری از اطلاعات را ممکن و تسهیل خواهد کرد و این امر که بتوان برای مثال به شکل دقیق و نظام‌مند به بررسی نرخ صدور آرای قطعی به نفع خواهان و ارتباط آن با موضوع دعوا و یا ارتباط آن با عنوان خواسته پرداخت، از جمله دستاوردهای دیگر قابل اشاره‌ای است که بخشی از آن در این مقاله و مابقی در مقاله‌های آتی تبیین می‌شود. همچنین آگاهی بیشتر از عملکرد قضات دادگستری و نقد آرای صادره، به صدور آرای مستدل و مستند در دادگاه‌ها و افزایش مسئولیت‌پذیری و کارایی نظام قضایی می‌انجامد.

۱. نتایج آماری ما در دو دسته توصیفی و استنباطی تقسیم شده که در این مقاله با آمارهای توصیفی بحث آغاز گردیده است و در سلسله مقالات آتی آمارهای استنباطی نیز تبیین خواهد شد.

در این مقاله در ۴ بخش به بررسی موضوع مورد بحث پرداخته شده است. ابتدا نگارندگان این نوشتار با عنایت به مطالعات آماری<sup>۱</sup> انجام شده، به بیان گستره پژوهش و جامعه آماری پرداختند، و در بخش دوم در قالب آمارهای توصیفی بسیط بخشی از مؤلفهها را معرفی کردند. در بخش سوم، به کمک آمارهای توصیفی چندبعدی ارتباط بخشی از مؤلفهها را تبیین کرده، در پایان، نتایج را بیان خواهند کرد.

## ۱. گستره پژوهش و جامعه آماری

در ابتدا، دعاوی حوزه مالکیت فکری به دو زمینه مالکیت صنعتی و مالکیت ادبی-هنری بخش شده و سپس زمینه مالکیت صنعتی به ۴ شاخه علامت تجاری، اختراع، طرح صنعتی و نام تجاری تقسیم گردیده است.

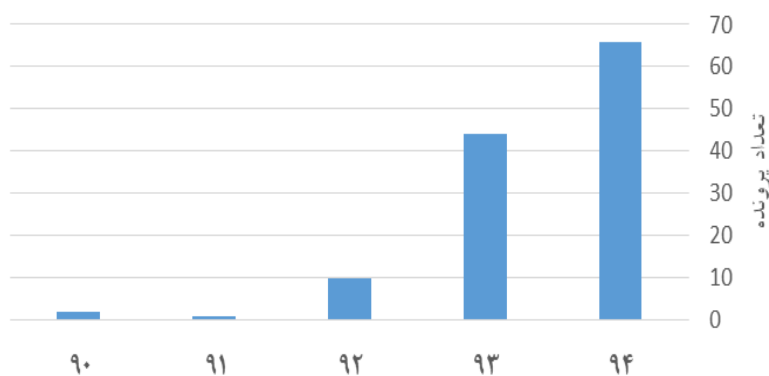


شکل ۱. فراوانی دعاوی در شاخه‌های مختلف مالکیت فکری

در نمودار دایره‌ای شکل ۱، درصد شاخه‌های حقوق مالکیت فکری در مجموعه داده این تحقیق، نمایان است. با توجه به مرجع رسیدگی و امکانات موجود، این شاخه‌ها منحصر به حوزه مالکیت صنعتی بوده، دعاوی حوزه مالکیت ادبی و هنری را دربر نمی‌گیرد. در تحقیق کنونی با توجه به تعریف دسترسی در پژوهشگاه قوه قضائیه و با استفاده از

۱. این اثر از رهنمودهای دکتر سمانه افتخاری مهابادی، استادیار دانشکده ریاضی، آمار و علوم کامپیوتر دانشگاه تهران، و نیز دکتر حسن محسنی، استاد راهنمای پایان‌نامه مأخذ این مقاله، بهره برده است.

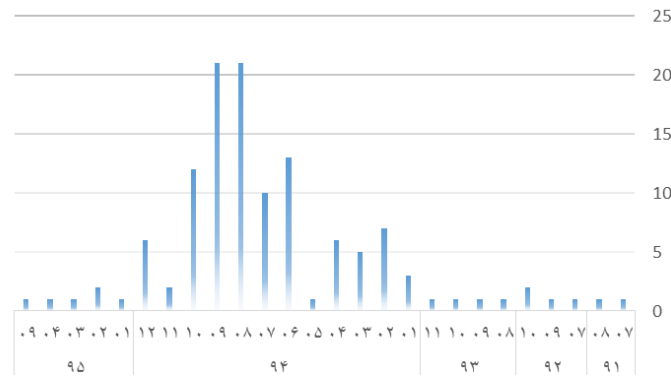
ظرفیت آرای موجود در آن پایگاه داده، ۱۴۷ رأی گردآوری شده است<sup>۱</sup> که در سال ۱۳۹۴ش و نیمه اول ۱۳۹۵ش از شعب ۱۰ و ۱۲ تجدیدنظر صادر شده است. از این تعداد، ۱۰۷ رأی علامت تجاری، ۱۳ رأی اختراع، ۱۰ رأی طرح صنعتی، ۹ رأی نام تجاری بوده است. همچنین در بعضی پرونده‌ها، خواسته خواهان منحصر به یک زمینه نبود؛ ۸ پرونده به بیش از یک شاخه حقوق مالکیت فکری ارتباط داشت که شامل ۷ رأی مشترک میان علامت و نام تجاری و یک رأی مشترک میان طرح صنعتی و علامت تجاری بوده است. در این پژوهش به‌طور مشخص آرای حوزه علامت تجاری و ضمناً نام تجاری (در مجموع ۱۲۳ پرونده) مورد داده‌پردازی و تحلیل قرار گرفته است.



شکل ۲. فراوانی صدور آرای نخستین بر مبنای سال

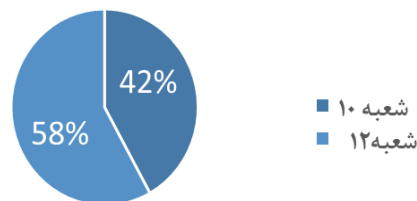
طبق نمودار میله‌ای شکل ۲ بیشتر آرای گردآوری‌شده، در سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۹۴ش در شعبه سوم مجتمع بهشتی تهران (شعبه تخصصی رسیدگی به دعاوی علائم تجاری) مورد رسیدگی نخستین قرار گرفته است.

۱. باوجود بی‌سابقه بودن بررسی این تعداد آرا در کشور، در صورت رفع محدودیت‌های فنی پایگاه داده آرای پژوهشگاه قوه قضائیه، گسترش بسامد داده‌ها و همچنین افزایش دوره زمانی آرای صادره و مطالعه محاکم کیفری به‌شدت مورد استقبال خواهد بود و از حیث قابلیت ذخیره‌سازی در پایگاه داده، تحلیل و پردازش داده، ظرفیت فراهم بوده است. با این حال، تصمیمات کمیسیون ماده ۱۷۰ با وجود ثبوتی بودن مرجع آن، مورد بررسی قرار گرفت که در مقالات آتی بیان خواهد شد.



شکل ۳. فراوانی زمانی صدور آرای تجدیدنظر برحسب ماه و سال

بر اساس نمودار میله‌ای شکل ۳ دسترسی و تمرکز اصلی این پژوهش در مرحله تجدیدنظر شامل آرای قطعی صادره در سال ۱۳۹۴ ش و چهارماهه اول سال ۱۳۹۵ ش بوده است.



شکل ۴. نسبت رسیدگی در شعب تجدیدنظر

شکل ۴، نمودار دایره‌ای مربوط به درصد فراوانی اختصاص داده شده به دو شعبه تجدیدنظر را نشان می‌دهد. شایان ذکر است، ظاهراً طبق شنیده‌ها معدود پرونده‌هایی به شعبه ۱۸ و ۵۶ نیز ارسال می‌شده که در سال‌های مورد بررسی نمونه‌ای از آن یافت نشده است.<sup>۱</sup>

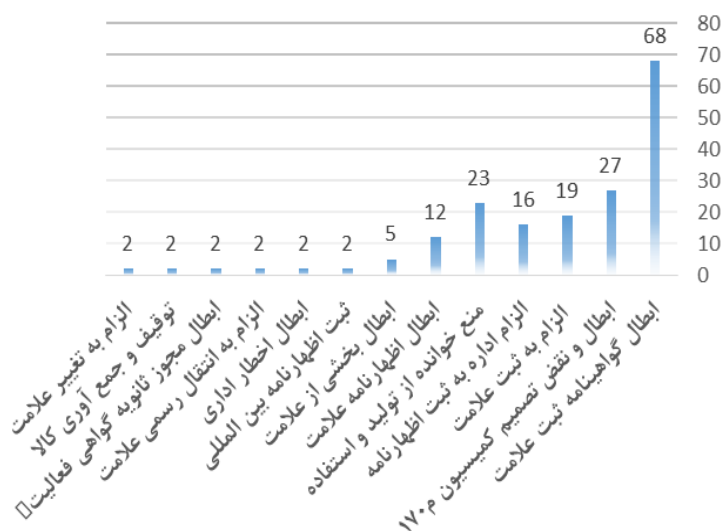
## ۲. مؤلفه‌های انتخابی

در این بخش به معرفی و بررسی مؤلفه‌ها و متغیرهای استخراج شده از آرا می‌پردازیم. این مؤلفه‌ها بر مبنای میزان تکرار در آرا و بر مبنای ابداع و انتخاب پژوهش حاضر تنظیم شده است.

۱. دامنه این پژوهش منحصر بر مرجع تجدیدنظر استان تهران بوده است، اما در پژوهش‌های آتی، بررسی یک موضوع در مراجع تجدیدنظر در استان‌های مختلف و مقایسه شباهت و تفاوت عملکردها، یافته‌های ارزنده‌ای را در اختیار خواهد گذارد.

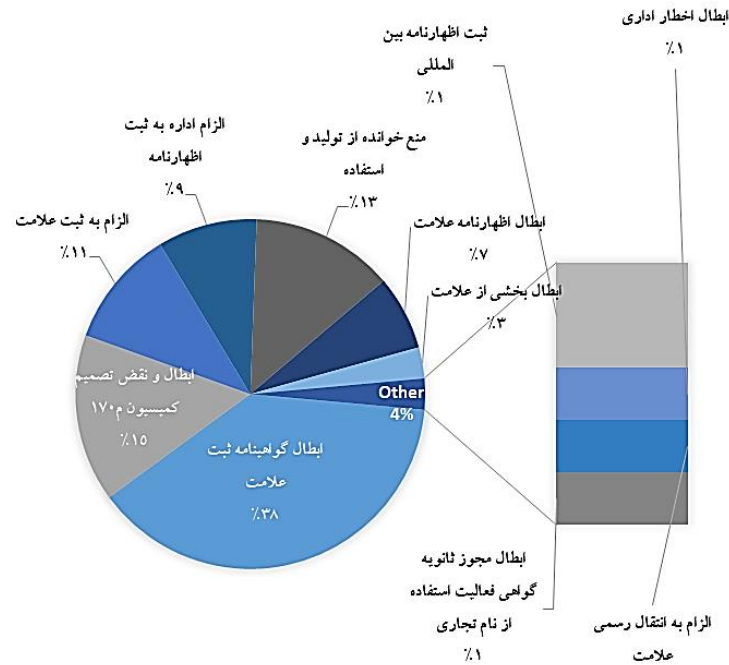
## ۱.۲. فراوانی عناوین خواسته‌های دعاوی علائم تجاری

در نمودار میله‌ای شکل ۵ از مجموعه آرای استخراج شده در حوزه علامت تجاری، فراوانی عناوین خواسته نمایش داده شده که بیشترین حجم خواسته مربوط به ابطال گواهینامه ثبت علامت است. هنوز برای نتیجه‌گیری درباره معنای این آمار نیاز به اطلاعات بیشتری داریم و در ادامه با درصد صدور رأی قطعی ابطال علامت مواجه خواهیم شد، پس از آن با دقت عوامل دخیل و همچنین معنای این آمار را بررسی و تبیین خواهیم کرد. در رتبه دوم، خواسته ابطال و نقض تصمیم کمیسیون ماده ۱۷۰ را خواهیم داشت. در جایگاه سوم، خواسته منع خوانده از تولید و استفاده قرار گرفته است. محور افقی، نوع دعاوی و محور عمودی، تعداد تکرار آن را نشان می‌دهد.



شکل ۵. فراوانی عناوین خواسته

در شکل ۶، درصد و نسبت فراوانی خواسته‌ها بیان می‌شود. شایان ذکر است در هر دعوی ممکن است دو یا حتی سه خواسته هم‌زمان مطرح شده باشد.



شکل ۶: نسبت فراوانی خواسته‌ها بر مبنای درصد

مطابق شکل ۶ بیش از یک‌سوم از دعاوی در خصوص ابطال گواهینامه ثبت علامت است. عدد جالب توجه دیگر، سهم ۱۵ درصدی اعتراض به نظر کمیسیون ماده ۱۷۰ است.

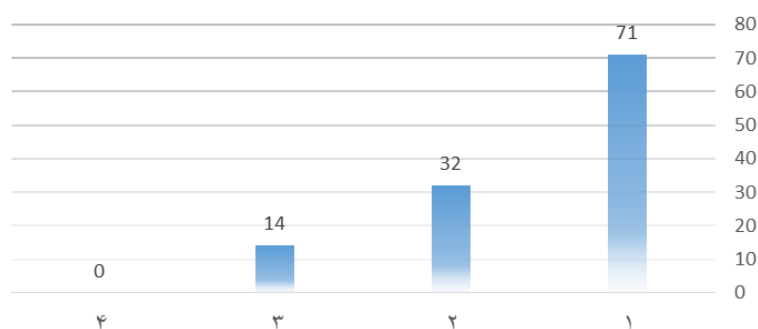
## ۲.۲. فراوانی تعدد خواسته در یک دعوی

در شکل ۷، محور عمودی بیانگر تعداد پرونده است و محور افقی نشان‌دهنده تعدد خواسته در یک دادخواست. در پرونده‌های حوزه مالکیت فکری، شاید انتظار این باشد که بیش از یک عنوان خواسته مورد تقاضای خواهان قرار گیرد، اما نتایج از فزونی دعاوی با تنها یک عنوان خواسته حکایت دارد. فراوانی تعدد خواسته در نمودار ۷ به نمایش گذارده شده است.<sup>۱</sup> یک

۱. دعاوی با اصطلاحاً خواسته‌های عام‌تر از جمله هزینه دادرسی و خسارت و ... نادیده گرفته شده است. البته مطالعه بر روی آرا گویای این امر است که درصد کمی از دعاوی، خواستار جبران خسارت شده بودند. متأسفانه ما از محتویات دادخواست خواهان بی‌اطلاع هستیم و هرآنچه به‌عنوان خواسته استخراج شده، صرفاً مندرجات نوشته‌شده در رأی است.



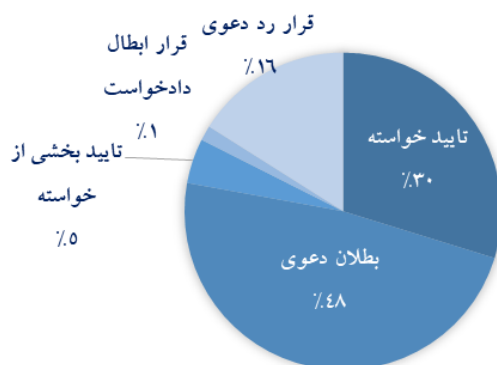
توضیح می‌تواند مربوط به دعاوی ابطال گواهینامه ثبت علامت باشد که بیشترین حجم دعاوی را شامل می‌شود. اینکه حضور وکیل در پرونده به‌طور میانگین چه ارتباطی با تعدد خواسته دارد، نکته جالب توجهی است؛ همچنین اینکه چه عناوین خواسته‌ای بیشتر در کنار هم قرار می‌گیرند (آذریان، ۱۳۹۸: ۹۷).



شکل ۷. فراوانی تعداد خواسته در یک دعوی

### ۳.۲. فراوانی نتیجه دعوی در مرحله نخستین

آرای دادگاه‌ها در دو قالب حکم یا قرار طبقه‌بندی می‌شوند. همچنین تفکیک آنکه خواهان محکوم‌له باشد و یا محکوم‌علیه، و یا فقط بخشی از خواسته تأیید گردد، در نمودار شکل ۸ نمایش داده می‌شود.

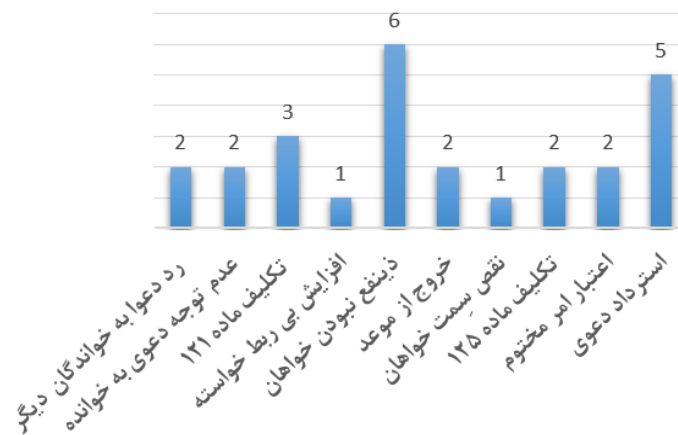


شکل ۸. فراوانی نتیجه دعوی در مرحله نخستین

با توجه به خروجی این نمودار، در حدود ۳۵ درصد از موارد، خواهان در این مرحله موفق به پیروزی در دعوا شده است (تأیید کامل / بخشی از خواسته)؛ به این معنا در منظر کلی، احتمال موفقیت یا عدم موفقیت بدون در نظر گرفتن سایر مؤلفه‌های دخیل، دو به یک علیه خواهان بوده است. عدد دیگری که جلب توجه می‌کند اینست که حدود ۱۶ درصد دعاوی به صدور قرار ردّ دعوی منجر شده است.

#### ۴.۲. فراوانی جهات صدور قرار ردّ دعوی

در فرض صحت قرار ردّ دعوی صادر شده (تعمداً احتمال خطای قاضی در صدور قرار را نادیده می‌گیریم)، به جز مواردی مثل استرداد دعوی و چند مورد دیگر، می‌توان صدور قرار را دال بر ضعف و وجود نقیصه‌ای در طرح دعوی دانست و به آسیب‌شناسی علل آن پرداخت. در نمودار میله‌ای شکل ۹ فراوانی جهاتی که به صدور قرار ردّ دعوی در محکمه نخستین منجر شده است، نمایش داده می‌شود. طبق نمودار ۸ حدود ۱۶ درصد دعاوی به صدور قرار ردّ دعوی منتج شده بود. شکل ۹ جزئیات آن را نشان می‌دهد.



شکل ۹. فراوانی جهات صدور قرار ردّ دعوی

این جدول از حیث آسیب‌شناسی طرح دعوی از سوی خواهان و احیاناً وکلای ایشان دارای اهمیت است. به همین دلیل سه عنوان آن را به تمثیل مورد مذاقه بیشتر قرار می‌دهیم:

## ۲.۴.۱. ذی‌نفعی

بحث نفع و ذی‌نفع در حوزه دعاوی مالکیت فکری و مبحث اختراعات و... موضوع مهم و مورد توجه است. در این حوزه، با نوع دیگری از نفع مواجه هستیم با عنوان «نفع عقلایی عمومی» (محسنی، ۱۳۹۸: ۲۶۴). در ماده ۴۱ قانون ثبت اختراعات و... به موضوع ذی‌نفعی اشاره شده است.<sup>۱</sup> البته همه مواردی که در آرای این پژوهش به آن اشاره شده، از یک سیاق (ذی‌نفعی به معنای خاص) نیستند که در ادامه به مثال‌هایی اشاره خواهیم کرد.

در رأی، این چنین تصریح شده است: «خواهان با ادعای مالکیت شرکت... نسبت به علامت مذکور و مشهور بودن آن درخواست ابطال نموده است که صرف‌نظر از صحت یا سقم ادعا مبنی بر ثبت علامت به نام شرکت مذکور چون خواهان مالک علامت نیست و آن را طبق قانون ثبت اختراعات، طرح صنعتی و علائم تجاری به ثبت نرسانیده بنابراین ذینفع در اقامه دعوی ابطال علامتی که به نام خواننده اول ثبت شده و مطابق ماده ۳۱ قانون مذکور واجد حق استفاده‌ی انحصاری است، نمی‌باشد» (دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۶۳۰۰۳۰۹ مورخ تیر ۱۳۹۴، صادره از شعبه سوم مجتمع بهشتی). در این رأی، دادگاه عدم مالکیت خواهان را دلیل ذی‌نفع نبودن وی دانسته است.

در رأی دیگر چنین بیان می‌شود: «... نظر به اینکه خواهان به هنگام تسلیم اظهارنامه برای ثبت علامت مقررات بند ۵ ماده ۱۱۱ آئین اجرایی قانون ثبت اختراعات را که متضمن ارائه مدارک دال بر فعالیت در حوزه ذی‌ربط (تولید محصولات نوشیدنی) است رعایت ننموده که در نتیجه به واسطه عدم فعالیت در تولید محصول موضوع گواهی‌نامه ثبت علامت، خواننده ذینفع در اقامه دعوی ابطال علامت نیست و نظر به اینکه بنا به نص صریح ماده ۴۱ هر ذینفع می‌تواند درخواست ابطال علامت را نماید. لذا قطع‌نظر از صحت یا سقم ماهیت دعوی مطروحه غیر وارد تشخیص و مستند به ماده مذکور و بند ۱۰ ماده ۸۴ و ۸۹ از قانون آئین دادرسی مدنی قرار رد آن صادر و اعلام می‌گردد...» (دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۶۳۰۰۳۳۲ مورخ تیر ۱۳۹۳، صادره از شعبه سوم مجتمع بهشتی).

۱. ماده ۴۱: «هر ذی‌نفع می‌تواند از دادگاه ابطال ثبت علامت را درخواست نماید. در این صورت باید ثابت کند مفاد بند (الف) ماده (۳۰) و ماده (۳۲) این قانون رعایت نشده است. ابطال ثبت یک علامت از تاریخ ثبت آن مؤثر است و آگهی مربوط به آن نیز در اولین فرصت ممکن منتشر می‌شود. هر ذی‌نفع که ثابت کند که مالک علامت ثبت‌شده شخصاً یا به‌وسیله شخصی که از طرف او مجاز بوده، آن علامت را حداقل به مدت سه سال کامل از تاریخ ثبت تا یک ماه قبل از تاریخ درخواست ذی‌نفع استفاده نکرده است، می‌تواند لغو آن را از دادگاه تقاضا کند. در صورتی که ثابت شود قوه قهریه مانع استفاده از علامت شده است، ثبت علامت لغو نمی‌شود».

### ۲.۴.۲. تکلیف ماده ۱۲۵ آئین‌نامه<sup>۱</sup>

تقدیم اظهارنامه هم‌زمان با اعتراض، در مواردی مورد غفلت خواهان و یا وکیل وی قرار گرفته است. عدم توجه به این مقررۀ مصرح، مخصوصاً در پرونده‌هایی که وکیل دادگستری از ابتدا حضور داشته است، لزوم آموزش تخصصی بیشتر را خاطر نشان می‌سازد. همچنین مواردی نیز بود که دادگاه نخستین به تکلیف ماده یادشده توجه نداشته و در مرحله تجدیدنظر به صدور قرار ردّ دعوی منتج شده است.<sup>۲</sup>

### ۲.۴.۳. تکلیف ماده ۱۲۱ آئین‌نامه<sup>۳</sup>

طبق این مقررۀ، متقاضی [معتراض] ابتدا در بازۀ زمانی یادشده مکلف به اعتراض به مرجع ثبت است و دادگاه‌ها بیش از اتمام این بازه، دعوا را مسموع نمی‌دانند. «برابر ماده ۱۲۱ آئین‌نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، تصمیم اداره مالکیت صنعتی ظرف مهلت ۳۰ روز قابل اعتراض در کمیسیون موضوع ماده ۱۷۰ آئین‌نامه خواهد بود بنابراین طرح دعوی در دادگاه قبل از مراجعه به کمیسیون موجه و منطبق با قانون نمی‌باشد» (دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۶۳۰۰۱۹۰ مورخ خرداد ۱۳۹۴، صادره از شعبۀ سوم مجتمع بهشتی).

### ۲.۵. فراوانی نتیجه تجدیدنظرخواهی

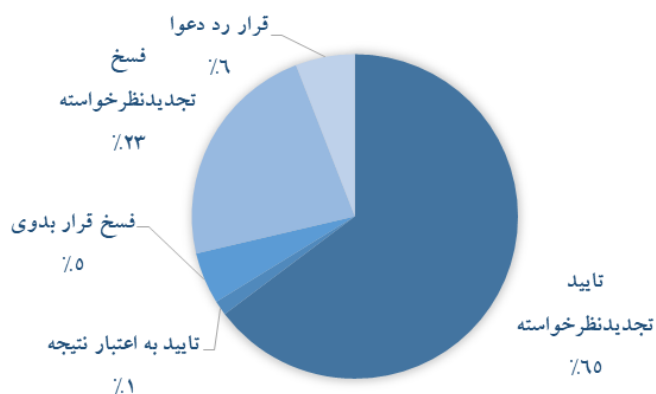
در نمودار دایره‌ای شکل ۱۰ نسبت نتایج تجدیدنظرخواهی بیان شده است. در ۶۶ درصد موارد رأی نخستین تأیید گردیده و در ۳۴ درصد موارد نیز به عدم تأیید رأی منتج شده است. اینکه

۱. «هرگاه اعتراض معترض مبنی بر ادعای حق مالکیت نسبت به علامتی باشد که اظهارنامه ثبت آن تسلیم مرجع ثبت و آگهی شده است، در صورتی که علامت قبلاً به نام او ثبت نشده است، باید هم‌زمان با اعتراض، برای علامت خود، مطابق قانون و این آیین‌نامه تقاضای ثبت کرده و حق ثبت اظهارنامه و علامت برحسب طبقات و تمام مخارج مربوط به آن را تأدیه نماید...».

۲. دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۳۶۴ شعبۀ ۱۰ تجدیدنظر تهران مورخ دی ۱۳۹۴: «...چون بنا به مستفاد از ماده ۱۲۵ آئین‌نامه ... تجدیدنظرخوانده که مدعی مالکیت نسبت به علامت مذکور و سبق استفاده از آن بدون ثبت، گردیده مکلف به تقاضای ثبت علامت هم‌زمان با طرح دعوای ابطال بوده است که بدین ترتیب عمل نکرده لذا در وضعیت فعلی دعوی قابلیت استماع نداشته ... ضمن نقض تجدیدنظرخواسته، قرار ردّ دعوای تجدیدنظرخوانده را صادر و اعلام می‌دارد...»

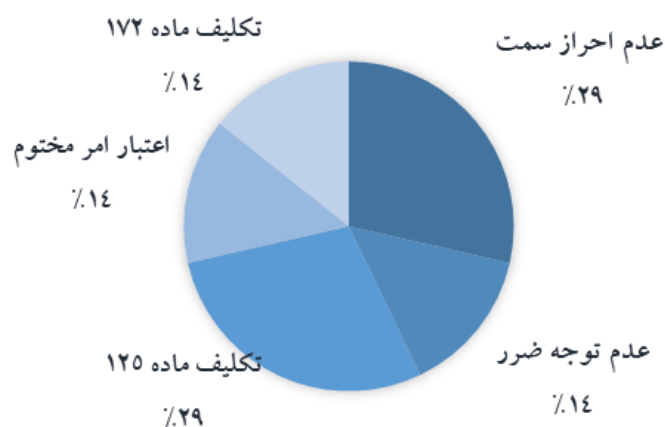
۳. متقاضی می‌تواند ظرف مهلت مقرر نسبت به ردّ اظهارنامه اعتراض خود را در دو نسخه و با پرداخت هزینه رسیدگی به ردّ ثبت، از طریق مرجع ثبت به کمیسیون موضوع ماده ۱۷۰ آئین‌نامه تسلیم نماید. پس از ثبت اعتراض‌نامه، نسخه دوم آن با قید تاریخ و شماره وصول به معترض مسترد می‌گردد. مهلت اعتراض برای اشخاص مقیم ایران ۳۰ روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور ۶۰ روز از تاریخ ابلاغ خواهد بود.

چه عواملی بر کاهش/افزایش این میزان تأثیر می‌گذارد، بسیار مهم است که به‌طور مبسوط در پایان‌نامه مأخذ این مقاله به آن پرداخته شده است.



شکل ۱۰. نسبت نتایج تجدیدنظرخواهی

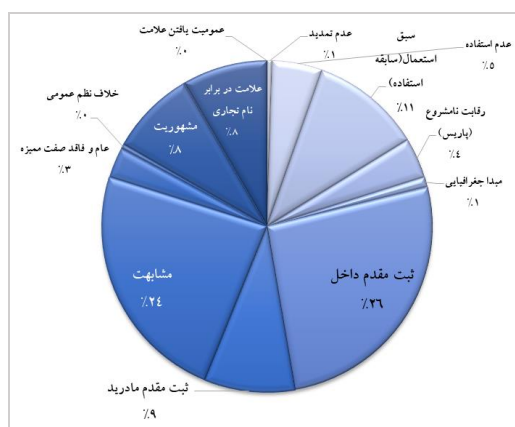
در نمودار دایره‌ای شکل ۱۱ به جهات صدور قرار ردّ دعوا می‌پردازیم. در تمام مواردی که دادگاه نخستین وظیفه داشته که قرار ردّ دعوی صادر کند، ولی اقدام نکرده است، در این حالت دادگاه تجدیدنظر حکم صادره را فسخ و قرار ردّ دعوی صادر می‌کند.



شکل ۱۱. نسبت جهات صدور قرار ردّ دعوی تجدیدنظر

## ۲.۶. فراوانی موضوعات دعاوی علامت تجاری

پس از تعیین عناوین مهم و کلی دعاوی در حوزه علائم تجاری، در نمودار دایره‌ای شکل ۱۲، درصد فراوانی هریک از آن موضوعات آمده است. طبعاً هر پرونده ممکن است همزمان دربرگیرنده چندین موضوع باشد.



شکل ۱۲. درصد کل فراوانی موضوعات دعاوی علامت تجاری

طبق یافته‌های این پژوهش، دو عنوان ثبت مقدم و مشابهت بیشترین فراوانی را نشان می‌دهند؛ شایان ذکر است بخشی از دعاوی مشابهت واجد عنوان ثبت مقدم نیز بوده‌اند. در خصوص مشابهت باید گفت که یکی از عناوین پرکاربرد و رایج در حقوق سایر کشورها نیز به‌شمار می‌آید؛ از جمله ایالات متحده آمریکا که در آنجا برخلاف کشور ما، معیارهایی نیز برای تشخیص و تمییز علامت‌های مشابه ترسیم شده است (Beebe, 2008: 1582).

در ایران بیشتر دعاوی مطروحه از جمله موضوع مشابهت دو علامت و گمراهی مصرف‌کننده بر مبنای تشخیص و توصیف قاضی از وضعیت و امری موضوعی بر مبنای معیار شخصی شکل می‌گیرد، نه نوعی. به این دلیل در بیشتر آرای مورد مطالعه دادگاه بدون ضرورت در ارجاع به مقرره‌ای خاص و یا استناد به ضوابطی معین، ادعای طرفین را مورد رسیدگی قرار می‌دهد. به‌نظر می‌رسد با نگاه تطبیقی به قوانین مشابه در کشور آمریکا، از کاستی‌های قوانین ما و به‌طور مشخص قانون ثبت اختراعات و علائم و آیین‌نامه آن، عدم ارائه معیارها و ضوابط معین برای تمییز ذی‌حقی طرفین دعاوی حوزه علامت تجاری باشد.

در آمریکا، علاوه بر پشتوانهٔ تقنینی، دادگاه‌های استیناف برای تشخیص نقض علامت و

مشخصاً مشابهت دو علامت (که از دعاوی بسیار مهم این حوزه است) با تفاوتی‌هایی میان مناطق مختلف، حدود ۱۹ فاکتور و عامل را برای تصمیم‌گیری درباره‌ی مشابهت دو علامت در قالب رویه در اختیار قضات نهاده‌اند (Beebe, 2008: 1582). در مقاله‌ی مطالعه‌ی تطبیقی عناصر نقض علامت تجاری در حقوق امریکا و ایران نیز این برداشت چنین بیان شده است: «در قانون یا رویه‌ی قضایی ایران، معیار خاصی برای تعیین احتمال گمراهی پیش‌بینی نشده و در این خصوص به طرز بسیار ساده‌ای صرفاً به شباهت میان دو علامت و کالاها یا خدمات اشاره می‌شود؛ اما این بدان معنا نیست اعمال سایر معیارهای موجود در رویه‌ی قضایی امریکا، مانند گمراهی واقعی مصرف‌کننده یا سوءنیت خواننده با مانع روبرو است» (مدنی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۹).

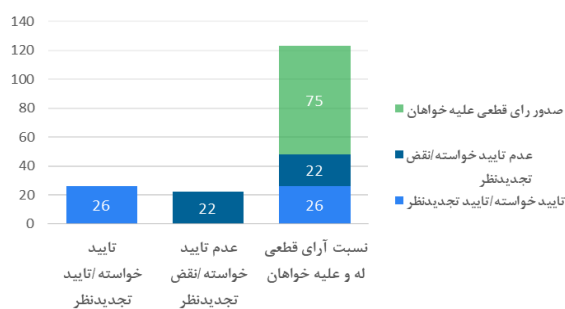
در ادامه به بررسی نرخ صدور آرای قطعی به نفع خواهان و ارتباط آن با موضوع دعوا خواهیم پرداخت.

### ۳. آمارهای توصیفی چندبعدی؛ ارتباط مؤلفه‌ها

در مباحث پیشین تکیه بر آمارهای توصیفی، بسیط و تک‌بعدی بود. در این مجال به‌طور مشخص ذیل دو عنوان به نمایش و بررسی نمودارها و داده‌های آماری از نوع توصیفی چندبعدی می‌پردازیم.

#### ۳.۱. نرخ صدور آرای قطعی به نفع خواهان و ارتباط آن با موضوع دعوا

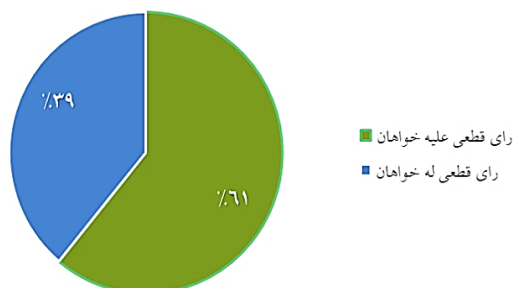
در شکل ۱۳، صدور رأی له و علیه خواهان به ترتیب با دو طیف آبی و رنگ سبز نمایش داده شده است. در دو حالت، رأی قطعی له خواهان استنباط شده (طیف‌های آبی) و ناگزیر هر پرونده‌ای که منجر به رأی له خواهان نبوده، علیه خواهان شمرده شده که در نمودار با رنگ سبز آمده است.



شکل ۱۳. تعداد آرای قطعی له و علیه خواهان<sup>۱</sup>

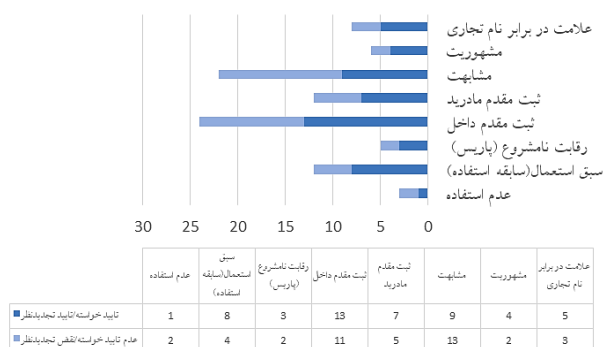
۱. مواردی که در مرحله‌ی نخستین منجر به قرار ردّ دعوا شده و این قرار در مرحله‌ی تجدیدنظر فسخ شده باشد، هنوز

برابر نمودار دایره‌ای شکل ۱۴، ۳۹ درصد از کل دعوی مورد مطالعه منجر به صدور رأی قطعی له خواهان و ۶۱ درصد علیه خواهان شده که به رنگ سبز نمایش داده شده است. به بیان دیگر، متوسط شانس موفقیت خواهان در طرح دعوی حدود ۴۰ درصد بوده است.



شکل ۱۴. درصد آرای قطعی له و علیه خواهان

در گام بعدی، این آمار را در برابر موضوعات منتخب دعوی علامت تجاری قرار می‌دهیم و می‌سنجیم که درصد اصدار رأی قطعی به نفع خواهان در آن موارد چگونه است. در نمودار میله‌ای شکل ۱۵، فراوانی هر موضوع به تفکیک حالت در جدولی در پایین شکل ارائه شده است. هرچه اعداد ردیف زیرین (که شامل آرای است که در مرحله نخستین رد، ولی در مرحله تجدیدنظر به نفع خواهان صادر گردیده و با رنگ آبی روشن نمایش داده شده است) بزرگ‌تر باشند، به معنای اختلاف و مباحث میان آرای دادگاه نخستین و تجدیدنظر است.

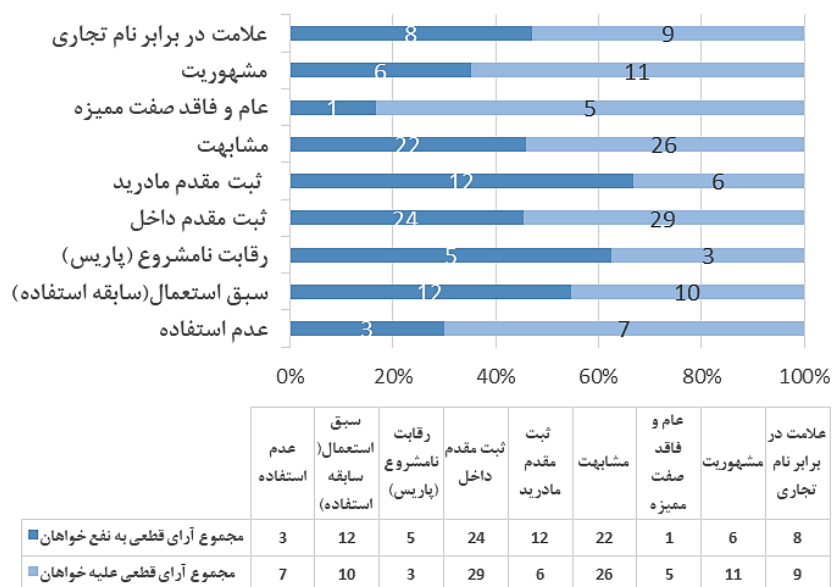


شکل ۱۵. فراوانی موضوعات در دو حالت منتهی به رأی قطعی له خواهان

به معنای موفقیت دعوی خواهان نیست و در این آمار قرار نمی‌گیرد.

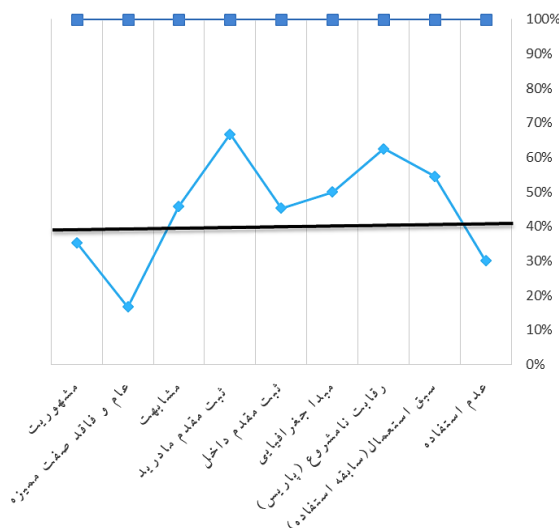


در شکل ۱۵ و همچنین در شکل ۱۶، درصد رأی قطعی له و یا علیه خواهان بر مبنای موضوعات دعوا به تفکیک بیان شده است. از داده‌ها استنباط می‌شود که در دعاوی ثبت مقدم مادرید، رقابت نامشروع، سبق استعمال و مشابهت، به ترتیب، بیشترین درصد احتمال موفقیت خواهان وجود دارد. نکته جالب توجه، نقش عنصر خارجی در افزایش شانس موفقیت است، چراکه در بحث ثبت مقدم ذیل موافقت‌نامه مادرید، علامت ابتدا در کشور دیگری ثبت شده است و بحث رقابت نامشروع نیز که در سایه کنوانسیون پاریس قرار می‌گیرد، بی‌ارتباط با عامل خارجی نیست.



شکل ۱۶. نسبت رأی قطعی له و علیه خواهان بر مبنای موضوعات دعوی

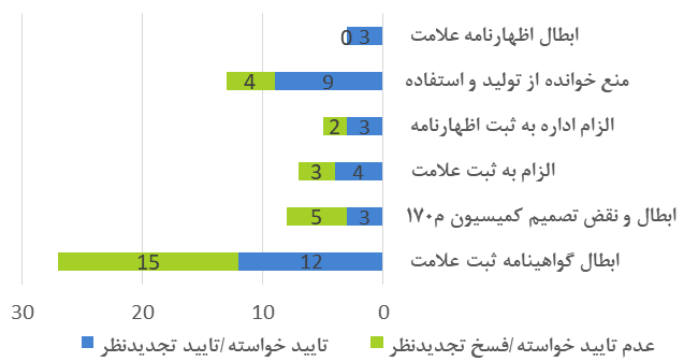
بعضی موارد که فراوانی‌ها اندک هستند از لحاظ آماری چندان معنا دار نمی‌توانند باشند. برای مثال، وقتی در زمینه مبدأ جغرافیایی تنها دو مورد استخراج شده است و یکی از آن‌ها له خواهان بوده و دیگری علیه او، تفسیر ۵۰ درصد میزان موفقیت، گمراه‌کننده و غیرعلمی ارزیابی می‌شود؛ به این دلیل در تفسیر آمارهای ارائه‌شده به تعداد هم می‌بایست توجه نمود. در شکل ۱۴، نرخ میانگین قطعیت رأی خواهان ۴۰ درصد و در نمودار شکل ۱۷ موضوعاتی که بیش از میانگین قرار گرفته‌اند، مشخص شده است. نمودار روند (Trend) ندارد.



شکل ۱۷. نسبت آرای قطعی به نفع خواهان به کل

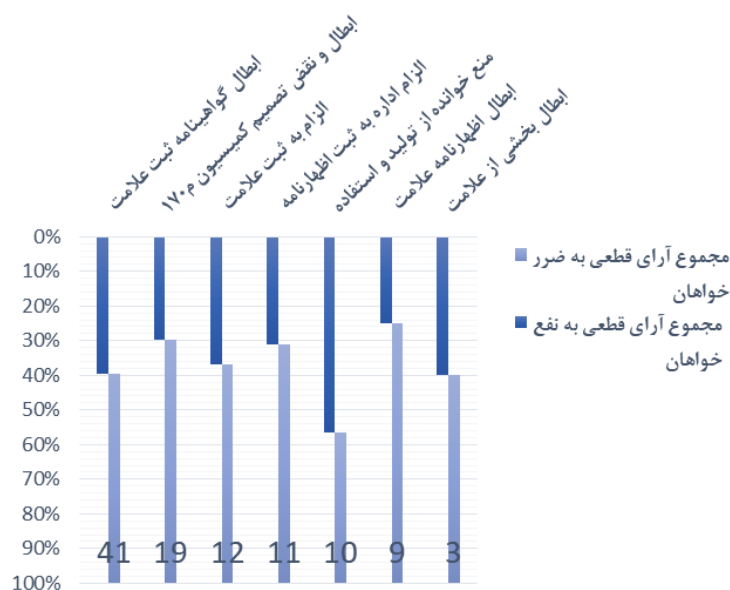
### ۲.۳. نرخ صدور آرای قطعی به نفع خواهان و ارتباط آن با عنوان خواسته

پیش‌تر در خصوص دو حالتی که به صدور رأی قطعی به نفع خواهان انجامید، به تفصیل بحث شد. در این قسمت نرخ صدور آرای قطعی را در تناظر با عناوین خواسته پی می‌گیریم. در نمودار میله‌ای شکل ۱۸، دو حالتی را که به صدور رأی قطعی به نفع خواهان منجر می‌شود با رنگ متفاوت نمایش داده‌ایم.



شکل ۱۸. آرای قطعی به نفع خواهان و عناوین خواسته

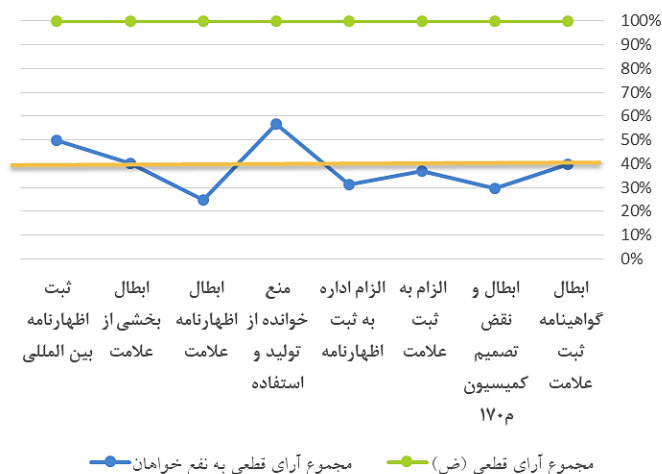
همان گونه که پیش تر بیان شد، به طور متوسط حدود ۴۰ درصد دعاوی به صدور رأی قطعی له خواهان انجامیده است. به بیان دیگر، وفق شکل ۱۴، شانس موفقیت خواهان در طرح دعوی حدود ۴۰ درصد است. در گام بعدی، ما این آمار را در برابر عناوین خواسته خواهان قرار می دهیم و می سنجیم درصد اصدار رأی قطعی به نفع خواهان بسته به عنوان خواسته چگونه بوده است.



شکل ۱۹. نسبت آرای قطعی له و علیه خواهان بر مبنای عناوین خواسته

در نمودار شکل ۱۹ و همچنین در شکل ۱۸ نسبت رأی قطعی له یا علیه خواهان بر مبنای عنوان خواسته به تفکیک بیان شده است. پس از منع خواننده از تولید و استفاده از علامت مشابه، دعاوی ابطال گواهینامه ثبت علامت، به نسبت، بیشترین احتمال موفقیت را برای خواهان دربر دارند.

پیش تر نسبت عناوین خواسته و ارتباط آن با صدور رأی له خواهان بیان شد، اکنون با توجه به میانگین صدور رأی قطعی به نفع خواهان که در نمودار شکل ۲۰ به صورت خطی صاف نمایان است، متوجه می شویم چه عناوینی بالا و پایین این خط میانگین هستند.



شکل ۲۰. نسبت آرای قطعی به نفع خواهان به کل

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد دادگاه‌ها در دعاوی منع خوانده از استفاده و تولید علامت مشابه، روی خوش بیشتری به خواهان نشان می‌دهند؛ یک گمانه این است که به نسبت خواسته ابطال علامت، اقناع وجدان قاضی آسان‌تر باشد و همچنین احتمالاً اثبات استفاده و یا تولید از سوی خوانده به کمک ادله و مستندات ابرازی، از پیچیدگی تصمیم‌گیری کمی می‌کاهد. نکته دیگری که به چشم می‌خورد، متأسفانه حجم بالای موفقیت در دعاوی ابطال علامت است که می‌تواند بیانگر وجود نقایصی در فرایند ثبت علائم تجاری باشد. تعیین معیار عینی و استاندارد برای تشخیص مشابهت و تمایز علائم در مقام تشخیص و قضاوت، در کنار آموزش‌های عمومی، تخصصی شدن و کالت و به‌طور اخص برخورد با فعالیت‌های سوء مؤسسات و اشخاص غیر از وکلای دادگستری در این حوزه می‌تواند به بهبود اوضاع کمک کند. عدم آگاهی مراجعان از اهمیت مصون بودن یک علامت از ابطال در آتیه، به استقبال از ثبت علامت به هر نحو، منجر شده است که علاوه بر تهدید وثاقت و اتکاپذیری سازوکار ثبت علامت در کشور، هزینه‌های مادی عمده‌ای به کسب و کارها و اقتصاد کشور وارد آورده است.

## نتیجه

همان‌گونه که بیان شد، این پژوهش طیف گسترده‌ای از نتایج را دربر می‌گیرد که در این مقاله به گوشه‌ای از آن اشاره گردید و ادامه بحث در مقالات بعدی دنبال خواهد شد.

نتایج نشان می‌دهد حدود ۷۳ درصد دعاوی استخراج شده در حوزه مالکیت فکری، علائم تجاری بوده است. بیشترین حجم آرای تجدیدنظر مورد بررسی در این پژوهش در سال ۱۳۹۴ صادر شده‌اند و نسبت رسیدگی میان دو شعبه تجدیدنظر نشان‌دهنده ۴۲ درصد شعبه ۱۰، و ۵۸ درصد شعبه ۱۲ است. در خصوص طول بازه رسیدگی، طبق محاسبات انجام‌یافته، میانگین رسیدگی دعاوی در مرحله نخستین، ۱۵/۶۴ ماه و در مرحله تجدیدنظر، ۲۲/۴۷ ماه بوده است.

در خصوص مقایسه و تحلیل رویه دادگاه‌های نخستین و تجدیدنظر، نتایج این پژوهش در بازه تعریف شده گویای تأیید ۶۵ درصد تصمیمات مرحله نخستین در دادگاه تجدیدنظر است؛ نرخ که از پیش‌بینی‌های قبل از به‌انجام رساندن طرح، امیدوارکننده‌تر است. اما یافته‌ها نشان می‌دهد که این نرخ کلی، شاخص اصولی و قابل اتکایی نیست؛ چراکه رویه دادگاه‌ها در مورد موضوعات مختلف تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد و در بعضی زمینه‌ها «نرخ تأیید تجدیدنظرخواسته» از عدد بیان شده در بالا، بیشتر یا کمتر بوده است. همچنین از منظر دیگر، ۳۵ درصد فسخ آرای نخستین از سوی مرجع عالی، نرخ قابل اعتنایی از اختلاف برداشت را نشان می‌دهد. شایان ذکر است، موارد اندکی هم وجود دارد که با وجود ایراد در رأی نخستین، دادگاه عالی رأی را صرفاً به اعتبار نتیجه تأیید کرده است.

بیش از یک‌سوم (۳۸ درصد) از دادخواست‌های مطروحه در خصوص خواسته ابطال گواهینامه ثبت علامت است. عدد دیگری که جلب توجه می‌کند، سهم ۱۵ درصدی اعتراض به نظر کمیسیون ماده ۱۷۰ اداره ثبت علامت تجاری است. داده‌ها نشان می‌دهد در حدود ۳۵ درصد موارد، خواهان در مرحله نخستین موفق به پیروزی در دعوا شده است. به این معنا در منظر کلی، احتمال موفقیت یا عدم موفقیت بدون در نظر گرفتن سایر مؤلفه‌های دخیل، دو بر یک علیه خواهان بوده است. حدود ۱۶ درصد دعاوی به صدور قرار ردّ دعوی منجر شده است. طبق بررسی‌ها در خصوص موضوعات دعاوی علامت تجاری، دو عنوان ثبت مقدم و مشابهت بیشترین فراوانی را نشان می‌دهند؛ شایان ذکر است بخشی از دعاوی مشابهت واجد بحث ثبت مقدم نیز بودند.

از داده‌ها استنباط می‌شود که در دعاوی ثبت مقدم مادرید، رقابت نامشروع، سبق استعمال و مشابهت، به ترتیب، بیشترین درصد احتمال موفقیت خواهان وجود دارد. نکته جالب توجه نقش عنصر خارجی در افزایش شانس موفقیت است؛ چراکه در بحث ثبت مقدم مرتبط با موافقت‌نامه مادرید، علامت ابتدا در کشور دیگری ثبت شده است و در بحث رقابت نامشروع نیز دعوا بی‌ارتباط با عامل خارجی نیست.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد دادگاه‌ها در دعاوی منع خوانده از استفاده و تولید علامت

مشابه، روی خوش بیشتری به خواهان نشان می‌دهند. یک گمانه این است که به نسبت خواسته ابطال علامت، اقناع وجدان قاضی آسان‌تر باشد و همچنین احتمالاً اثبات استفاده و یا تولید از سوی خواننده به کمک ادله و مستندات ابرازی، از پیچیدگی تصمیم‌گیری کمی می‌کاهد. نکته دیگری که به چشم می‌خورد، حجم بالای موفقیت در دعاوی ابطال علامت (اعم از ابطال کامل یا بخشی از علامت) است که می‌تواند بیانگر وجود نقایصی در فرایند ثبت علائم تجاری باشد.

در قالب هشدارها و ملاحظات (Caveats)، به‌نظر می‌رسد طول و حجم داده‌ها برای تعمیم نتایج کم باشد و با توجه به بی‌سابقه بودن این دست پژوهش‌ها در کشور، انتظار رعایت احتیاط در نتیجه‌گیری از داده‌ها متصور است. علاوه بر خاطر نشان کردن این امر مهم، دو مطلب برجسته می‌شود: ۱. دلایلی از جمله ضعف معماری و الگوریتم‌های پایگاه داده قوه قضائیه مؤثر و مورد توجه است. هرگونه تلاشی برای اصلاح ساختار داده‌های آن مجموعه ثمرات عدیده‌ای خواهد داشت. ۲. با توجه به عدم دخالت عامل انسانی در انتخاب آمار آرای استخراج‌شده، هر میزان کاستی در کمیت، صرفاً اتفاقی بوده، لطمه‌ای به تصادفی بودن نتایج نخواهد زد.

شایان ذکر است با کمک اطلاعات استنتاج‌شده، تصویری به‌شدت شفاف‌تر از قبل ترسیم خواهد شد. امید این است که با توسعه این دست پژوهش‌ها و گشایش در دسترسی به منابع آراء، علاوه بر استنتاج زوایای مختلف، توان و دانش پژوهشگران در فهم معانی نتایج روزبه‌روز پخته‌تر و آزموده‌تر شود. آگاهی بیشتر از عملکرد قضات دادگستری و نقد و بررسی آرای صادره آنان به کمک پژوهش‌هایی از این دست، در کنار انتشار اصولی و آزاد آراء می‌تواند در این راستا گام مهمی باشد. یافته‌ها و برآیند این پژوهش بیانگر اهمیت بالای به‌کارگیری دانش آمار برای درک بهتر وضعیت رسیدگی در دادگاه‌ها است و به این سبب به‌ویژه از حیث روش‌شناختی نیز ابداعات و رویکرد این پژوهش بسیار قابل‌اعتنا است. امید آنکه گذشته از نتایج بدیع، اهمیت روش‌شناختی این پژوهش و ظرفیت‌های تحقیقاتی بر بستر این نوآوری از دید جامعه علمی کشور و سیاست‌گذاران پنهان نماند.

## منابع و مآخذ

### ۱. فارسی

#### الف) کتاب‌ها و مقالات

۱. اسدی، حمید (۱۳۹۵)، «جهت نقد در آراء قضایی»، دوفصلنامه رویه حقوق خصوصی، دوره ۱، ش ۱.
۲. پورنوری، منصور (۱۳۸۳)، حقوق مالکیت معنوی در دادگاه علائم تجاری و اختراعات،

تهران: مهد حقوق.

۳. جعفری تبار، حسن (۱۳۹۵)، دیو در شیشه در فلسفه رویه قضایی، تهران: حق گزاران.
۴. اعظمی چهاربرج، حسین (۱۳۹۱)، «درآمدی بر روش‌شناسی و انواع نقد رای». رویه قضایی (فصلنامه نقد رای) دوره ۱، ش ۱.
۵. شمس، عبدالله (۱۳۹۱)، آیین دادرسی مدنی (دوره‌ی پیشرفته) ج ۲، چ ۳۰، تهران: دراک.
۶. غمامی، مجید و اشراقی آرائی، مجتبی (۱۳۸۹) «فواید عملی و نظری تفکیک امر حکمی از امر موضوعی در دادرسی مدنی»، مطالعات حقوق خصوصی دوره ۴۰، ش ۴.
۷. کریمی، محمدحسین و کریمی عباس (۱۳۹۷)، «مطالعه تطبیقی شرایط ثبت علامت تجاری». تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، دوره ۹، ش ۳۲.
۸. محسنی، حسن (۱۳۹۸)، «نفع در دادخواهی‌ها: بررسی دکترین حقوقی و رویه قضایی ایران و فرانسه»، مطالعات حقوقی، دوره ۱۱، ش ۱.
۹. محمدی، محمدرضا (۱۳۹۳)، «نقدی بر شیوه استدلال دادگاه‌ها در آرای حقوقی، فصلنامه رأی (مطالعات آرای قضایی)، دوره ۳، ش ۸.
۱۰. مدنی، مهسا و فرخی، زهره (۱۳۹۷)، «مطالعه تطبیقی عناصر نقض علامت تجاری در حقوق امریکا و ایران». پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۷، ش ۲۴.
۱۱. شهبازی‌نیا، مرتضی؛ غمامی، مجید؛ جوان، صدیقه (۱۳۹۶)، «فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و عدالت قضایی» دیدگاه‌های حقوق قضایی (دیدگاه‌های حقوقی) ش ۷۹ و ۸۰.
۱۲. مرکز مالگیری، احمد و پورسید، بهزاد (۱۳۹۷)، شاخص‌های نظام قضایی برای بهبود محیط کسب و کار، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۱۳. مشکین آذریان، آریا (۱۳۹۸)، تحلیل رویه‌های قضایی محاکم ایران در حوزه علامت‌های تجاری با تأکید بر مدل‌های آماری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

#### (ب) مدارک و مستندات

۱۴. دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۶۳۰۰۳۰۹ مورخ تیر ۱۳۹۴، صادره از شعبه سوم مجتمع بهشتی.
۱۵. دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۶۳۰۰۳۳۲ مورخ تیر ۱۳۹۳، صادره از شعبه سوم مجتمع بهشتی.
۱۶. دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۳۶۴ مورخ دی ۱۳۹۴، صادره از شعبه ۱۰ تجدیدنظر استان تهران
۱۷. دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۶۳۰۰۱۹۰ مورخ خرداد ۱۳۹۴، صادره از شعبه سوم مجتمع بهشتی.

## ۲. خارجی

18. Allison, John R, Mark A Lemley, David L Schwartz, John R Allison, Mark A Lemley, David L Schwartz, David Abrams, et al. (2014), "Understanding the Realities of Modern". *Texas Law Review*, No. 92, pp. 1768–1801.
19. Beebe, Barton. (2006), "An Empirical Study of the Multifactor Tests for Trademark Infringement – Dataset". *California Law Review* 94, No. 6: pp. 1581–1654.
20. Machina, Lex, "Legal Analytics ® for Trademark Litigation", available at <Conferences.law.stanford.edu> visited on 2020/4/16.
21. Rabinowitz, Aaron B. (2012), "Post-Booker Judicial Discretion and Sentencing Trends in Criminal Intellectual Property Cases: Empirical Analysis and Societal Implications" *N.Y.U. Journal of Intellectual Property & Entertainment Law*, Vol. 2, No. 1, pp. 51–72.
22. Savela, Antti.(2006), "Evaluation of the Quality of Adjudication in Courts of Law: Principles and Proposed Quality Benchmarks; Quality Project of the Courts in the Jurisdiction of the Court of Appeal of Rovaniemi", Rovaniemi, Rovaniemi Court of Appeal.